

حمایت های حقوقی از دانش فنی و آثار آن

احمد شهنیایی *

دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۶/۲۳)

چکیده:

با وجود قواعد قانونی مصرح ناظر بر حمایت از حق اختراع، در بسیاری موارد ابداعات به دلیل فقدان شرایط قانونی یا عدم تقاضای مبدع، در قالبی غیر از "حق اختراع" قرار می‌گیرد و مبنای حقوق مالکیت فکری ایجاد می‌کند حقوق مبدع بدون حمایت قانونی نماند. «دانش فنی» به عنوان ابداعی که مشمول حمایت های قانونی حق اختراع قرار نمی‌گیرد ممکن است بر اساس مبنای حقوقی دیگری مورد حمایت واقع شود. این مبنای ممکن است مبنای قانونی و نیز مبنای قراردادی باشد. نظام حقوقی کشورها در خصوص مبنای، شرایط و آثار حمایت یکسان نیست و در نظام حقوقی ایران نیز هر چند احکام صریح و سازمان یافته‌ای راجع به حمایت پیش بینی نشده است و مبنای قانونی و نیز قراردادی جهت حمایت قابل استخراج است لکن این مبنای تا حدودی از منافع مشروع دارنده حمایت می‌کند و لذا اتخاذ تدابیر حقوقی حمایتی دیگری بویژه توسط رویه قضائی را لازم می‌نماید.

واژگان کلیدی:

دانش فنی، اسرار تجاری، حقوق رقابت، تعهد محرمانه نگه داشتن، تعهدات قراردادی، قرارداد امتیاز.

مقدمه

«دانش فنی» از مهم ترین سرمایه های معنوی و فکری بنگاههای صنعتی است و نقش عمده ای در تولیدات و فعالیتهای فنی این بنگاهها دارد. دانش فنی موجب موقعیت رقابتی برتر برای دارنده آن است و حمایت حقوقی از آن حافظ این منافع و موقعیت مشروع است. هر چند از نظر فنی و ماهوی دانش فنی تمایز مهمی با «ابداع» موضوع حق اختراع ندارد لکن از نظر مبنا، شرایط و آثار حقوقی حمایت از آن، دارای تمایزات تأثیرگذاری است. برخلاف حق اختراع تردیدهای جدی جهت تلقی از دانش فنی به عنوان مصادیق حقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Law) وجود دارد و ناگزیر حمایت از آنرا باید در سایه سایر قواعد و مبانی اعم از مبانی قانونی یا قراردادی جستجو کرد که حسب حقوق ملی کشورها و نظامهای حمایتی بین المللی متفاوت است. در حقوق ایران، ذکری از دانش فنی در قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری (ث.ا.ط.ع) ۱ مصوب ۱۳۸۶ و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۸۷ نشده است و در سایر قوانین و مقررات نیز احکام صریح و مفصلی راجع به حمایت از دانش فنی و شرایط و آثار آن پیش بینی نشده است ولی این امر نافی تلاش حقوقدانان جهت تمهید و استخراج مبانی قانونی و حقوقی جهت حمایت از منافع مشروع دارنده دانش فنی نیست. این مقاله ضمن بیان موضع برخی نظامهای حقوقی در خصوص موضوع و نیز کنوانسیونهای مرتبط بین المللی سعی در یافتن مبانی و آثار حمایت از دانش فنی در حقوق ایران خواهد داشت. لازم به ذکر است در بسیاری کشورهای دنیا دانش فنی به عنوان یکی از مصادیق اسرار تجاری مورد حمایت مقنن قرار گرفته و در این مقاله نیز بعضاً دانش فنی در بستر و تحت شمول اسرار تجاری تحلیل خواهد شد. از سوی دیگر حمایت از دانش فنی و آثار آن محدود به مبانی قانونی نیست و در بسیاری موارد این حمایت بر اساس و در قالب مبانی قراردادی بویژه قرارداد واگذاری امتیاز دانش فنی تحقق می یابد و برای طرف تعهداتی را ایجاد می کند.

با توجه به عدم وجود قواعد حقوقی صریح راجع به حمایت از دانش فنی، این سوال مطرح است که آیا براساس مبانی عمومی تر حقوقی به ویژه قواعد راجع به اموال و نیز حقوق مالکیت فکری، دانش فنی چگونه و با چه شرایط و آثاری قابل حمایت است. همچنین در کنار مبانی قانونی قابل استخراج آیا مبانی قراردادی می تواند برای حمایت از حقوق دانه دانش فنی به کار آید و این حمایت چه حدود و آثاری دارد و آیا این احکام برای حمایت واقعی از دارنده در قبال دستبردهای غیر مشروع دیگران کافی است.

۱. در این مقاله از این قانون از علامت اختصای (ث.ا.ط.ع) استفاده می شود.

قراردادهای واگذاری امتیاز دانش فنی به عنوان یکی از رایج ترین قراردادهای متضمن دانش فنی واجد شرایط قراردادی و قانونی متعددی است که از حیث حمایت از دانش فنی مهم هستند با عنایت به اینکه ماهیت این قرارداد به قراردادهای واگذاری حق انتفاع در حقوق ایران نزدیک و قابل تطبیق است حمایتهای قراردادی و قانونی از دانش فنی در چارچوب این قرارداد در این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر با توجه به تلاش کشور به جذب دانش فنی جدید و حکم بند (د) ماده ۱ قانون تشویق حمایت از سرمایه گذاری خارجی که دانش فنی را بعنوان سرمایه خارجی تلقی کرده است لذا تمهید شرایط و زمینه‌های قانونی و حقوقی حمایت از دانش فنی، امکان جذب دانش فنی جدید از طریق تضمین حمایت از دارنده را تسهیل می‌کند.

مقاله در سه مبحث به تحلیل موضوع خواهد پرداخت. نخست مفهوم و قلمرو «دانش فنی» بیان خواهد شد. سپس مبانی قانونی حمایت از دانش فنی در نظامهای حقوقی مختلف و حقوق ایران مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و سپس مبانی و آثار قراردادی حمایت از آن تفصیل خواهد شد.

مبحث اول: مفهوم و قلمرو دانش فنی

دانش فنی (Know-how) آن اطلاعات فنی است که واجد سه ویژگی محرمانه، مهم و قابل شناسایی باشد. دانش فنی دارای مصادیق وسیعی است که می‌تواند شامل دانش تکنیکی لازم جهت استفاده از حق اختراع، تجارب فنی، مهارت، طراحی مفصل، طرحها، محاسبات، کمکهای فنی، فناوری، امثال اینها باشد. دانش فنی با حق اختراع از حیث حقوقی تفاوت دارد بر خلاف حق اختراع (Patent) که صاحب ابداع با بدست آوردن گواهی حق اختراع حق انحصاری بهره‌برداری و استفاده از ابداع را بدست می‌آورد و در قبال این گواهی فرمول ابداع افشا می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). دارنده دانش فنی بدلیل نگرانی از افشای فرمول یا بدلیل عدم تحقق شرایط جهت کسب حق اختراع یا بدلیل هزینه کسب حق اختراع، بجای ثبت ابداع و اخذ گواهی اختراع ترجیح می‌دهد با تلاشهای شخصی و مبانی قراردادی ابداع و فرمول خود را محرمانه نگه داشته و از آن بهره برداری صنعتی و تجاری کند (Cornish, 1998, p.264).

در واقع یکی از مهم ترین انگیزه‌های دارنده جهت عدم ثبت دانش فنی آنست که دارنده نمی‌خواهد اطلاعات ارزشمند وی افشا شود. برخلاف حق اختراع، جدید بودن (Novelty) شرط حمایت از دانش فنی نیست و فقط تا این حد لازم است که دانش مزبور مورد اطلاع عموم قرار نگرفته باشد (Kurt, 2004, p.9). برخلاف حق اختراع که مدت حمایت از آن محدود است در دانش فنی محدودیت زمانی برای حمایت از آن وجود ندارد. ضمن آنکه دانش فنی برای

حمایت لازم نیست منحصر به فرد و اصیل باشند و برخلاف حق اختراع و علامت تجاری و مثل حقوق مؤلف و هنرمند اگر دو نفر بطور مستقل یک دانش فنی را ابداع کرده باشند می‌توانند همزمان با هم از آن استفاده کنند (2007, Rischp.13). مهم‌ترین تفاوت بین حق اختراع و دانش فنی را می‌توان در نحوه حمایت حقوقی از آن دانست. دانش فنی برخلاف حق اختراع فاقد گواهینامه و حق انحصاری است و در قوانین و مقررات بسیاری کشورها تحت عنوان اسرار تجاری و براساس قوانین کیفری و مسئولیت مدنی و یا رقابت غیرمنصفانه مورد حمایت قرار می‌گیرند (Cornish, 1998, p.9). به همین دلیل برای حفظ خاصیت محرمانه دانش فنی بر الزامات قراردادی و قراردادهای محرمانه تأکید شده است. صرفنظر از اینکه در برخی موارد اطلاعات فنی فاقد شرایط لازم جهت کسب حق اختراع است و ممکن است بصورت دانش فنی مورد حمایت قرار گیرد، در بسیاری از مواقع یک ابداع می‌تواند براساس انتخاب دارنده، هرکدام از قالبهای حمایت را بدست آورد. مواردی که دارنده دانش فنی امکان اخذ حق اختراع برای آن را دارد ملاکهای متنوعی جهت انتخاب یکی از این دو قالب حقوقی حمایت (حق اختراع یا دانش فنی) را می‌تواند در نظر بگیرد. سهل یا سخت بودن اطلاع دارنده از نقض حقوق خود توسط اشخاص ثالث، هزینه ثبت، نوع دانش فنی، تعداد مستخدمینی که به دانش فنی دسترسی دارند، وضعیت نقل و انتقال این مستخدمین، قابلیت استفاده‌های شخصی از دانش فنی توسط اشخاص ثالث در منازل و مکانهای شخصی، هزینه‌های محرمانه نگهداشتن، قلمرو بازار محصول مربوطه و سهم دارنده از آن بازار در زمره این ملاکهاست (Beckerman, 2002, P. 16).

همچنین میزان مورد شناخت بودن فرمول و اطلاعات مورد نظر در تجارت و صنعت مربوطه، ارزش دانش فنی برای دارنده و رقبای وی، مقدار سرمایه‌گذاری و تلاش دارنده برای ایجاد و توسعه صنعت مربوط به دانش فنی نیز از دیگر معیارهاست (Kurt, 2004, p.4).

مبحث دوم: مبانی قانونی حقوق دانش فنی

بسیاری نظامهای حقوقی به طور صریح یا تحت عناوین دیگری دانش فنی را مورد حمایت قرار می‌دهند.

۱- در حقوق سایر کشورها

حمایت از دانش فنی در اغلب کشورهای دنیا وجود دارد. بسیاری قوانین دانش فنی را بعنوان مصادیق اسرار تجاری (Trade Secret) دانسته و با پیش‌بینی قواعد حقوقی اسرار تجاری آنها را بر دانش فنی نیز اعمال می‌کنند (Kurt, 2004, p.8). از نظر تاریخی مقاومت‌هایی جهت تلقی

از این اطلاعات بعنوان مصداق حقوق مالکیت صنعتی وجود داشته است (Correa, 1981, No. 3). حمایت از اسرار تجاری در قرن ۱۹ از نظام کامن لا شروع شد. دادگاه های انگلستان از سال ۱۸۱۷ و دادگاه های امریکا از سال ۱۹۳۷ دعوی جبران خسارت بر مبنای استفاده غیر مجاز از اسرار تجاری را قبول کردند. دعوی نقض حقوق اسرار تجاری بر مبنای مسئولیت مدنی استوار بوده است. همچنین نقض اعتماد، نقض رابطه محرمانه، استفاده نا بجا، رقابت غیر منصفانه، دارا شدن غیرعادلانه و دسترسی نا مشروع به اموال دیگران. ضوابط حقوقی آمریکا برای اسرار تجاری در Restatement (شرح قانون) سال ۱۹۳۹ مقرر شد.

این سند متضمن این بود که اسرار تجاری مال نیست ولی نقض حقوق آن، مسئولیت مدنی بر مبنای "رفتار رقابتی با سوء نیت" را موجب می شود (Olin, 2008, p.7). سرقت اسرار تجاری در کد فدرال نیز مورد حکم قرار گرفته است. در واقع هم قانون و هم رویه قضائی به اسرار تجاری پرداخته اند (Field, 2008, p.31). تحول نسبتاً اخیر در آمریکا قانون متحد ویژه اسرار تجاری است که توسط بیش از ۴۲ ایالت پذیرفته شده است (Riesman, 2009, p. 12).

قانون حمایت از اسرار تجاری ابتدا در سال ۱۹۷۹ تصویب شد و در سال ۱۹۸۵ اصلاحاتی در آن صورت گرفت. در این قانون اسرار تجاری بعنوان موضوع مستقل حقوق مالکیت فکری و نه در نتیجه مبانی قراردادی مورد شناسایی و حمایت قرار گرفت. طبق این قانون اسرار تجاری در صورتی مورد حمایت خواهند بود که به دارنده آن مزایای اقتصادی و تجاری برتر بدهد و به طریق معقولی این اطلاعات توسط دارنده مضبوط و پنهان نگه داشته شده باشند (Kurt, 2004, p4).

طبق این قانون، استفاده غیر مجاز از اسرار تجاری وقتی محقق می شود که:

الف- اسرار تجاری فرد بوسیله شخصی که از غیر قانونی بودن تحصیل آن اطلاع داشته یا بایستی اطلاع می داشته بدست آمده باشد.

ب- افشاء اطلاعات دیگران بدون اجازه صریح و ضمنی دارنده آن صورت پذیرد.

بنابراین در موارد ذیل استفاده از اسرار تجاری از مصادیق استفاده غیرمجاز نیست؛

الف- کشف این اسرار بر اساس ابداع مستقل

ب- کشف و بدست آوردن اطلاعات بوسیله مهندسی معکوس (Reverse Engineering) یعنی

تجزیه محصول و فرمول آن و سعی در شناخت عناصر و فرمول دانش فنی. مهندسی معکوس باید با وسایل منصفانه و درست باشد مثل خرید محصول در بازار. دادگاه عالی آمریکا قانونگذاران ایالتی را از ممنوع نمودن استفاده از دانش فنی ناشی از ابداع مستقل و مهندسی معکوس منع کرده است (Field, 2008, p34). مهندسی معکوس در بسیاری نظامهای حقوقی بعنوان وسیله مشروع بدست آوردن دانش فنی پذیرفته شده است و تعریف پیمان NAFTA از

مهندسی معکوس نیز برگرفته از رویه دادگاههای ایالتی در این خصوص است (1994, p. 102, Neff and Smallson).

ج - کشف و بدست آوردن اطلاعات از طریق قرارداد امتیاز، مشاهده محصول و فرمول در جریان نمایش و بدست آوردن آن از طریق آثار چاپ شده (Kurt, 2004, p.11).
در ژاپن نیز اخیراً قانون حمایت از اسرار تجاری به تصویب رسیده است (Olin and Lemely, 2008, p.7).

۲- در کنوانسیونهای بین‌المللی

مهمترین رژیم حقوق بین‌المللی حمایت از اطلاعات محرمانه در ماده ۳۹/۱ Trips (موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی) مقرر گردیده است. این ماده اطلاعات افشاء شده را از مصادیق حقوق مالکیت فکری دانسته است و کشورها را ملزم کرده است که ضمانت اجراهای لازم برای نقض حقوق اسرار تجاری مثل دستور موقت، منع استفاده، خسارت و تأمین دلیل را پیش بینی کنند. این ماده متضمن اعطای حق انحصاری به دارنده نیست بلکه متضمن حمایت از آن در قبال رویه‌های تجاری غیر منصفانه است. طبق این ماده اطلاعات مزبور در صورتی قابل حمایت است که:

۱- محرمانه باشد؛

۲- به سبب محرمانه بودن دارای ارزش تجاری باشد؛

۳- دارنده وسایل معقولی جهت حفاظت آن را بکاربرده باشد. بدست آوردن غیرمجاز این اطلاعات توسط اشخاص ثالث اعم از اینکه عمدی باشد یا در نتیجه بی احتیاطی سنگین نقض حقوق دارنده تلقی می‌شود. با توجه به اینکه Trips (موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری) تعریفی از بی احتیاطی سنگین ندارد و نظامهای حقوقی دنیا برداشتهای متفاوتی از این لفظ دارند، می‌توان تفسیر آنرا به رویه نظام ملی کشورها موکول دانست (2003, p. 278, Gervais).

۳- در قوانین ایران

در نظام حقوقی ایران، دانش فنی بعنوان مصداق حقوق مالکیت فکری در قانون ثبت. ا. ط. ع. مورد پیش بینی قرار نگرفته است. با این حال در قوانین پراکنده تعبیر دانش فنی مورد استفاده قرار گرفته است که در برخی موارد مراد مقنن از این تعبیر مفهوم عام شامل هرگونه ابداع است و در برخی موارد نیز منظور دانش فنی به مفهوم خاص فوق است. مثلاً بند د ماده یک

قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰^۱. همچنین در ماده ۱۹ قانون توافقنامه تجاری اکو (اکوتا) مصوب ۱۳۸۶/۵/۱۶ مقرر شده است که از نظر این موافقتنامه حمایت از حقوق مالکیت معنوی بویژه شامل علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی حق اختراع و اطلاعات و دانش فنی افشاء نشده می‌باشد. ضمناً در قوانین متعدد موافقتنامه‌های سرمایه گذاری مشترک با سایر کشورها دانش فنی به همین شکل بعنوان مصداق حقوق مالکیت معنوی تلقی شده است مثلاً در جزء ت بند ۱ ماده ۱ قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اریتره مصوب ۸۸/۱/۱۸ حقوق مالکیت معنوی و صنعتی بعنوان سرمایه و از قبیل حق اختراع، نمونه‌های بهره وری، طرح‌ها یا نمونه‌های صنعتی، علائم و اسامی تجاری، دانش فنی و حسن شهرت تجاری عنوان شده است. معلوم است تلقی از دانش فنی بعنوان حقوق مالکیت معنوی محدود به موارد اعمال موافقتنامه شده است و نمی‌توان این احکام را بعنوان یک قاعده عمومی در جهت تلقی از دانش فنی بعنوان حقوق مالکیت در نظام حقوق ملی کشور قلمداد کرد. با این حال در مواد ۶۴ و ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ اسرار تجاری در محیط مجازی مورد حمایت قرار گرفته و نقض آن واجد وصف مجرمانه شده است. طبق ماده ۶۵ اسرار تجاری الکترونیکی داده پیمایی است که شامل اطلاعات، فرمولها، نرم افزارها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرحهای صنعتی و امثال اینها است که بطور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاشهای معقولانه ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است بنابراین در حمایت قانونی از دانش فنی در محیط مجازی تردید نیست همانگونه که ملاحظه می‌شود داشتن ارزش اقتصادی، عدم افشاء و اقدام جهت حراست از آن از شرایط حمایت عنوان شده است. در محیط غیر مجازی نیز وجود قواعد عمومی اموال و برخی احکام قانونی تردید در خصوص حمایت از دانش فنی را مرتفع می‌کند. در قواعد عمومی اموال مال به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد داد و ستد قرار بگیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد (مامی، ۱۳۷۶، ص ۱۹) و دارای عناصر امکان اختصاص، امکان نقل و انتقال و دارای نفع متعارف و معقول باشد (جعفری لنگرودی ۱۳۸۰، ص ۳۷). این تعریف و عناصر آن بر دانش فنی بنا به تعریف ارائه شده نیز قابل اعمال است و کلیه حمایتهای قانونی بر اموال و مسئولیتهای ناشی از نقض آن (از جمله ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹) و حق منع دیگران در استفاده از آن برای دانش فنی هم محقق است. از سوی دیگر طبق جز ۱ بند ک ماده ۴۵ قانون نحوه اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ (در فصل نهم، تسهیل رقابت و منع

۱. ماده یک: «... سرمایه خارجی - انواع سرمایه اعم از نقدی و یا غیر نقدی که توسط سرمایه گذار خارجی به کشور وارد می‌شود و شامل موارد ذیل می‌گردد ... د- حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی».

انحصار) کسب و بهره برداری غیر مجاز از هرگونه اطلاعات رقبا در زمینه تجاری مالی و فنی به نفع خود و یا اشخاص ثالث منع شده است و در ماده ۷۵ همین قانون مرتکب مستوجب حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال و جزای نقدی تا چهارصد میلیون ریال جزای نقدی دانسته شده است بنابراین با عنایت به اینکه دانش فنی از مصادیق اطلاعات مندرج در ماده ۴۵ است لذا حمایت قانونی از آن قابل تردید نیست.

مبحث سوم - مبانی قراردادی حقوق دانش فنی

در مواردی که دانش فنی براساس رضایت دارنده و در قالب قراردادی به دیگری ارائه می‌گردد، لوازم قانونی و قراردادی اراده طرفین نقش عمده‌ای در حمایت از دانش فنی می‌یابند. به همین دلیل است که برخلاف حق اختراع قرارداد از مهم ترین مبانی حمایت از دانش فنی تلقی شده است.

عمده قراردادهایی که در نتیجه آن دانش فنی در اختیار طرف دیگر قرار می‌گیرد قراردادهای امتیاز (License Agreement) قراردادهای کمک فنی (Technical Assistance) و خدمات مهندسی (Engineering Service) است که قرارداد نخست ارتباط بیشتری با دانش فنی و حمایت های آن دارد. در این گونه قراردادهای طرف قرارداد (گیرنده) اجازه یا حق دسترسی یا استفاده از دانش فنی را براساس شرایط معینی بدست می‌آورد. برخی تعهدات و شروطی که مبانی قراردادی حمایت از دانش فنی را تشکیل می‌دهند بررسی می‌گردد.

۱- تعهد به محرمانه نگهداشتن دانش فنی

الف - اهمیت و قلمرو تعهد

دارنده دانش فنی به استناد قواعد عمومی «لزوم رقابت منصفانه»، «حفظ اسرار تجاری» و سایر مبانی مربوطه می‌تواند حمایت از دانش فنی به شرط محرمانه بودن آن را مطالبه کند. به همین دلیل مهمترین ابزار حمایت، اقدامات و تلاش دارنده برای محرمانه نگهداشتن آن است. در واگذاری قراردادی دانش فنی از آنجا که گیرنده بنا به قرارداد به فرمول‌های دانش فنی دسترسی پیدا می‌کند برای دارنده بسیار اهمیت دارد که احکامی را در قرارداد مقرر کند که از افشاء دانش فنی توسط گیرنده و کارکنان آن جلوگیری کند به همین جهت گیرنده را ملزم به محرمانه نگهداشتن دانش فنی و اطلاعات فنی محرمانه‌ای می‌کند که در جریان مذاکرات مقدماتی و اجرای قرارداد به آن دسترسی پیدا می‌کند. اثر اخذ این تعهد از نظر دارنده قابل توجه است و حقوق و تعهدات طرفین را در این خصوص روشن و مستقر می‌کند و اجرا و اعمال آن تسهیل می‌کند (Purvis and Pierce, 2001, p. 431). به همین دلیل تعهدات و شروط

محرمانه ماندن دانش فنی از مهم ترین شروط بویژه در قرارداد امتیاز است. تعهد به محرمانه نگه داشتن غالباً محدود به دانش فنی نمی‌گردد ممکن است شامل ترقیات فنی و تجارب به دست آمده در جریان بهره‌برداری از دانش فنی نیز بگردد (Byrne, 2005, P. 262).

در قوانین برخی کشورها اطلاعات محرمانه تعریف شده است. البته تعریف اطلاعات محرمانه در قانون مانع از ارائه یک تعریف مورد نظر طرفین در قرارداد منعقد نیست. اهمیت تعریف در آن است که تعهد به محرمانه نگهداشتن شامل مصادیق همان تعریف بوده و اطلاعات دیگر تعهدی برای گیرنده ایجاد نخواهد کرد و در واقع این تعریف مورد تعهدات گیرنده را معین می‌کند. طبعاً دارنده تمایل به ارائه تعریف موسع از دانش فنی و اطلاعات محرمانه و گیرنده برعکس تمایل به قید تعریف مضیق از اطلاعات محرمانه در قرارداد دارد. همچنین علاوه بر ارائه تعریف می‌توان این گونه اطلاعات و دانش فنی را با ارائه ضوابط خاص معین کرد مثلاً روی نقشه‌جات و فرمول‌های ارائه شده مهر «محرمانه بودن» درج کرد. همچنین دارنده سعی می‌کند اطلاعات ارائه شده شفاهی را نیز به نحو مقتضی به عنوان اطلاعات محرمانه تسجیل کند مثلاً به موجب یک اظهارنامه ارائه این اطلاعات را مورد ابلاغ و تأکید قرار دهد.

برخی از اطلاعات ارائه شده به هرحال خارج از شمول مفهوم اطلاعات محرمانه و تعهد مربوطه است این موارد یا به موجب قانون تعیین می‌شوند یا براساس قرارداد برخی از آنها عبارت‌اند از:

- اطلاعاتی که توسط خود گیرنده ابداع شده‌اند بدین معنی که اطلاعاتی که قبل از دسترسی به دانش فنی موضوع قرارداد توسط خود گیرنده ابداع شده بودند از شمول تعهدات وی در خصوص محرمانه بودن خارج است و وی مجاز به بهره‌برداری یا هرگونه استفاده از آن است. البته در خصوص اطلاعات فنی گیرنده که پس از انعقاد قرارداد ابداع می‌کند نمی‌توان به راحتی همین حکم را جاری کرد. در قوانین ایالات متحده آمریکا گیرنده بعد از دریافت دانش فنی در قرارداد امتیاز مجاز است خود شخصاً به تحقیق بپردازد و به ابداعات دست یابد و تنها جایی از این اقدام منع شده است که از اطلاعات و دانش فنی ارائه شده امتیازدهنده استفاده نابجا کند (Stim, 2002, p. 7/7).

- اطلاعات فنی که بدون تقصیر گیرنده وارد حوزه عمومی گردیده است و دیگر خاصیت محرمانه ندارد مبنای این حکم قاعده «عدم تسلط و مالکیت فرد بر اطلاعات عمومی شده» است.

- اطلاعات افشاء شده برای گیرنده توسط فردی که هیچ گونه تعهد محرمانه نگهداشتن اطلاعات مزبور نسبت به دارنده نداشته است (Stands trom and Golds weig 2003, p. 480).

شایان ذکر است مبنای این تعهد قرارداد طرفین است بنابراین اولاً مسئولیتهای ناشی از نقض این تعهد در چارچوب مسئولیت قراردادی قابل تحلیل است ثانیاً این تعهد صرفاً در قبال طرف قرارداد (گیرنده) قابل استناد است نه پرسنل وی که به مناسبت رابطه کاری با گیرنده به دانش فنی دسترسی دارند با این حال این امر مانع از ادعای دارنده علیه پرسنل گیرنده براساس مبانی قانونی نخواهد بود.

ب- آثار تعهد به محرمانه نگه داشتن

تعهد گیرنده به محرمانه نگه داشتن حسب مفاد قرارداد می تواند آثار و الزامات حقوقی به شرح زیر علیه وی داشته باشد؛

- گیرنده ملزم می شود که اطلاعات و دانش فنی را نزد خود نگه داشته و به دیگران ارائه ندهد و آن را به شکل متناسب و مطمئن ضبط کند؛

- منع استفاده افراد غیر خودی و غیر مرتبط در استفاده و دسترسی به دانش فنی؛

- گیرنده حق ندارد دیگران را به کسب اطلاعات و دانش فنی به روش غیر مشروع ترغیب

کند؛

- گیرنده می تواند دسترسی اطلاعات و دانش فنی محرمانه را صرفاً برای دسته‌ی از پرسنل ممکن نماید که دسترسی آنها حسب وظیفه و موقعیت کاری خود برای استفاده گیرنده از آن ضروری است و به آن نیازمند هستند؛

- گیرنده ملزم است براساس شرایط قرارداد کلیه سوابق، نوشته‌ها، مواد چاپ شده در تصرف خود را که حاوی اطلاعات و دانش فنی محرمانه است پس از پایان قرارداد مسترد کند یا محو کند؛

- گیرنده ملزم است تعهد به محرمانه نگه داشتن دانش فنی و اطلاعات را از پرسنل و متخصصین خود که به دانش فنی مزبور دسترسی دارند نیز اخذ کند. ممکن است دارنده اصرار داشته باشد که گیرنده این تعهد کارکنان خود را تضمین کند همچنین دسترسی شرکت‌های فرعی و وابسته گیرنده به دانش فنی و اطلاعات محرمانه نیز منع گردد مگر آنکه اقدام آنها در محرمانه نگه داشتن توسط خود گیرنده تضمین گردد؛

- در مواردی که طبق قوانین ملی کشورها گیرنده ملزم است برای ثبت قرارداد یا تأیید آن در مراکز دولتی بخشی از اطلاعات محرمانه قرارداد را در دسترس این مراکز قرار گیرد، دارنده ممکن است گیرنده را ملزم کند که از قبل دارنده را از این گونه مقررات مطلع کند. این تعهد از این جهت برای دارنده اهمیت دارد که در صورت اطلاع از این مقررات وی ممکن است از

بیم فاش شدن اطلاعات محرمانه از انعقاد قرارداد منصرف شود و یا ترتیبات خاص را با گیرنده برای چگونگی ارائه اطلاعات به مراکز دولتی هماهنگ کند (Stim, 2002, p. 7/4).

عدم رعایت تعهد به محرمانه نگهداشتن و آثار آن توسط گیرنده دارای عواقب جدی برای قرارداد است و معمولاً در قرارداد حق فسخ دارنده به همراه اخذ خسارات از گیرنده پیش‌بینی شده و دارنده می‌تواند ۱- از طریق دادرسی فوری موضوع ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی دستور موقت قضائی جهت منع گیرنده از اقدامات خلاف تعهد اخذ کند. از سوی دیگر در صورت عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای این تعهد در قرارداد، تعهد به محرمانه نگه داشتن دانش فنی از مصدق شرط فعل است لذا دارنده مشروط له می‌تواند براساس ماده ۲۳۷ قانون مدنی اجبار گیرنده به رعایت شرط را درخواست کند و در صورت عدم امکان قرارداد را فسخ کند (ماده ۲۳۹) و خسارت وارده را مطالبه کند (ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی). با توجه به اهمیت محرمانه ماندن اطلاعات و دانش فنی برای دارنده، وی براساس توصیه وکلای خود در قرارداد قید می‌کند که «افشاء غیرمجاز منجر به آن چنان خسارات غیرقابل جبرانی می‌گردد که جبران آن لزوماً با دادن معادل پولی نیز امکان پذیر نخواهد بود». واضح است تأکید دارنده برای قید این عبارت، اطلاع به گیرنده در این خصوص و امکان اخذ خسارات بیشتر به استناد قابل پیش‌بینی بودن خسارت توسط گیرنده است. به ویژه در نظام حقوقی ایران که قابل پیش‌بینی بودن خسارت یکی از عناصر مطالبه خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۵۱).

ج- مدت محرمانه ماندن

برخی مواقع در قرارداد مدت تعهد محرمانه نگهداشتن را مقید و محدود به دوره خاصی می‌کنند مثلاً مقرر می‌گردد گیرنده باید اطلاعات را به مدت ۵ سال از انعقاد قرارداد، محرمانه نگهدارد. مدت تعهد یکی از شروط مناقشه برانگیز طرفین در مذاکرات مقدماتی است دارنده اصرار دارد که تعهد محرمانه ماندن محدود به دوره خاصی نباشد در حالی که گیرنده تأکید بر محدود بودن مدت تعهد خواهد داشت گفته می‌شود در قراردادهای عدم افشاء در آمریکا مدت متعارف تعهد ۵ سال است و در اروپا قراردادهای عدم افشاء با مدت تعهد ۱۰ ساله هم وجود دارد (Stim, 2002, 7/8).

از سوی دیگر این تعهد ممکن است حسب شرایط قرارداد حتی پس از انقضای قرارداد هم پا برجا باشد و گیرنده نتواند به استناد پایان رابطه قراردادی مدعی انتفاء تعهد شود. ولی قوانین کشورها رویه متفاوتی در خصوص اعتبار این شرط دارند در اتحادیه اروپا چنین شرطی قانونی و معتبر است با این حال برخی کشورها در حال توسعه این شرط را برخلاف مصالح ملی خود دانسته و آن را غیرقانونی تلقی می‌کنند (Stands trom and Gold weig, 2003, p. 481).

در حقوق ایران با توجه به حقوق قانونی ناشی از تصاحب دانش فنی و نیز اصل آزادی قراردادها (ماده ۱۰ قانون مدنی) شرط متضمن تعهد به محرمانه نگه داشتن پس از قرارداد نیز با منع مواجه نیست و شرط صحیح است لکن درخصوص عدم پیش بینی مدت تعهد در قرارداد معلوم است که با پایان مدت قرارداد، مبانی قراردادی تعهد نیز منتفی می‌شود ولی این امر مانع از اجرای مبانی قانونی حمایت از دانش فنی و التزام به عدم افشاء نخواهد بود و در صورت نقض تکلیف ضمانت اجرای موضوع جزء ۱ بند ک ماده ۴۵ قانون نحوه اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ و قواعد جبران خسارت و مسئولیت مدنی قابل اعمال خواهد بود. براین اساس در فرض بطلان قرارداد نیز با توجه به بی‌اثری قرارداد باطل، گیرنده ملزم به استرداد دانش فنی و عدم استفاده از آن، پرداخت اجرت المثل ایام تصرف (وحدت ملاک ماده ۳۶۶ قانون مدنی و ماده ۳۳۷ قانون مدنی) و نیز الزام قانونی به افشاء نکردن دانش فنی است.

۲- محدودیت‌های گیرنده در استفاده از دانش فنی

محدوده قرارداد و اختیار گیرنده متضمن آن است که وی در استفاده، تولید و فروش محصول ناشی از دانش فنی تا چه حدی مجاز است و در چه مواردی حقوق دارنده را نقض کرده است. این محدوده‌ها از جنبه‌های مختلف وجود دارد؛

الف) گیرنده در کدام مناطق جغرافیائی حق تولید، فروش و صادرات محصول ناشی از قرارداد دانش فنی را دارد (محدوده سرزمینی) (Territorial Restrain) در شرط قراردادی مربوطه قید می‌شود که اختیار یا امتیاز موضوع قرارداد برای اعمال در چه مناطقی واگذار می‌شود. این محدودیت می‌تواند شامل محدودیت جغرافیائی در تولید، فروش و یا صادرات باشد. اثر این شرط آن است که گیرنده نمی‌تواند حق واگذار شده را در کشورها و مناطقی غیر از کشورها و مناطق تعیین شده مورد استفاده قرار دهد.

ب) گیرنده در کدام زمینه فنی حق استفاده از دانش فنی را دارد (محدوده موضوعی) (Field of Use License) در این شرط مشخص می‌شود که اختیار اعطاء شده در قرارداد راجع به دانش فنی از لحاظ موضوع و زمینه کاربرد یک حق عام و مطلق است یا اینکه حق مزبور غیرمطلق بوده و به موارد اعمال مشخص و معین از قبیل شاخه‌های خاصی از صنعت محدود است و آیا امتیاز دانش فنی شامل تمام فرایندهای بهره‌برداری و کاربری از قبیل حق تولید، استفاده یا فروش می‌شود یا محدود به برخی از فرایندهای مزبور است.

ج) آیا گیرنده حق دارد که امتیاز واگذار شده را به موجب قراردادی به شخص دیگری هم واگذار کند. در این زمینه ممکن است قید گردد که گیرنده اساساً حق انعقاد قرارداد فرعی را ندارد یا حق وی در این خصوص منوط به کسب موافقت دارنده خواهد بود.

د) آیا گیرنده حق تحقیق و توسعه راجع به دانش فنی موضوع امتیاز را دارد. در برخی قراردادهای امتیاز دانش فنی امتیازگیرنده متعهد می‌شود که مستقلاً روی دانش فنی واگذار شده تحقیق و توسعه انجام ندهد.

۳- محدودیت گیرنده در واگذاری اختیار استفاده از دانش فنی

در نتیجه قرارداد واگذاری فقط خود گیرنده می‌تواند از دانش فنی استفاده کند و نمی‌تواند اجازه استفاده آن را به سایر اشخاص واگذار کند مگر آنکه چنین اجازه‌ای صراحتاً در قرارداد مقرر شده باشد یا دارنده بعداً با واگذاری امتیاز و دانش فنی توسط گیرنده موافقت کند. در صورت سکوت قرارداد اصل بر عدم قابلیت واگذاری امتیاز حقوقی موضوع قرارداد است (Melville, 1975, P.73). با وجود این، غالباً دارنده برای اطمینان از این امر به درج این منع در قرارداد تأکید و اصرار دارد. در قوانین کشورهای مختلف نیز اصل بر عدم اختیارگیرنده در این خصوص است مگر با تحقق شرایط مخالف، در حقوق آلمان، در قراردادهای امتیاز از نوع انحصاری، امتیازگیرنده حق واگذاری امتیاز حقوق موضوع قرارداد را دارد مگر آنکه در قرارداد خلاف آن قید شده باشد (Brenan, 2001, p.305). رویه قضائی فرانسه براساس اصل اهمیت شخصیت طرف (Intuisus Personae) با وجود قیاس قرارداد امتیاز با عقد اجاره معتقد است که امتیازگیرنده حق واگذاری فرعی امتیاز خود به شخص دیگر بدون اخذ رضایت دارنده را ندارد مگر آنکه به همراه واگذاری بخشی از تجارت مربوطه خود به امتیازگیرنده فرعی باشد (Brenan, 2001, P.305).

در آمریکا در فرض سکوت قرارداد امتیاز از نوع غیر انحصاری، گیرنده اختیار واگذاری هیچ‌گونه حقی در خصوص دانش فنی موضوع قرارداد را ندارد و حسب رویه دادگاه‌های این کشور در صورت عدم تصریح به حق امتیازگیرنده امکان واگذاری امتیاز فرعی یا هیچ‌گونه حق دیگری در خصوص امتیاز وجود ندارد (Brenan, 2001, P.305). در حقوق کشور چین نیز واگذاری امتیاز فرعی توسط امتیازگیرنده موکول به اخذ موافقت امتیاز دهنده شده است (Stands Trom and Golds weig, 2003, p.48).

در نظام حقوقی ایران می‌توان با وحدت ملاک از قواعد مربوط به قرارداد واگذاری حق انتفاع به مسأله امکان واگذاری امتیاز فرعی پاسخ داد؛ در مواد قانون مدنی راجع به حق انتفاع حکمی راجع به اختیار منتفع در واگذاری حق انتفاع به غیر پیش‌بینی نشده است. برخی حقوقدانان معتقدند «حق انتفاع از حقوق مالی است و در صورتی که در عقد عدم حق انتقال به غیر قید نشده باشد منتفع می‌تواند آن را به دیگری انتقال دهد زیرا هر مالکی می‌تواند هر گونه تصرفی در ملک خود بنماید و حق انتفاع ملک منتفع می‌باشد اما در صورتی که قید مباشرت در حق انتفاع شده باشد، منتفع می‌تواند آن را به غیر انتقال دهد به شرط آنکه خود از آن

استفاده کند (امامی، ۱۳۷۶، ص ۱۸). دکتر کاتوزیان نیز معتقدند «اگر حق انتقال به غیر از منتفع سلب نشده باشد یا از اوضاع و احوال برنیاید که مقصود مالک انتفاع شخص او است منتفع می‌تواند امتیازی را که به دست آورده است به دیگری واگذار کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸). در مقابل، دکتر جعفری لنگرودی معتقدند که حق انتفاع قائم به شخص مباح له است او نمی‌تواند آن را به دیگری واگذار کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳). فارغ از این اختلاف قدر متیقن آن است در مواردی که حق انتفاع حسب اراده طرفین قائم به شخص است امکان واگذاری آن توسط منتفع وجود ندارد و با توجه به اینکه در قرارداد امتیاز دانش فنی امتیاز قائم به شخص است، زیرا حسب اراده طرفین در قرارداد، طرفین با فرض و تصور داشتن توانایی‌های فنی، صنعتی و مالی مشخصی توسط طرف دیگر قرارداد می‌بندند، لذا می‌توان معتقد بود امکان واگذاری امتیاز فرعی دانش فنی توسط امتیازگیرنده بدون اجازه امتیازدهنده ممکن نیست.

۴- محدودیت دسترسی افراد دیگر به دانش فنی جهت استفاده

مسئله دیگر در خصوص استفاده از دانش فنی، تعیین افرادی است که حق دسترسی به دانش فنی موضوع قرارداد را دارند. مثلاً آیا با واگذاری امتیاز دانش فنی به یک شرکت و یا مشارکت شرکت‌های فرعی امتیازگیرنده یا شرکاء مشارکت هم می‌توانند از دانش فنی واگذار شده به شرکت اصلی استفاده کنند؟ و در خصوص ارائه امتیاز دانش فنی به مشارکت، مشارکت حق استفاده را دارد یا شرکاء؟ آیا چنانچه شرکت امتیازگیرنده با شرکت دیگری ادغام یا سهام این شرکت توسط شرکت دیگری خریداری شد، در این فرض چه کسی حق دسترسی یا استفاده از دانش فنی را خواهد داشت؟ چنین مواردی باید بین طرفین مذاکره شود و حکم آن در قرارداد روشن شود. با این حال با توجه به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از سهامداران (مواد ۵۸۳ و ۱۲۸ قانون تجارت) و اصل نسبی بودن قرارداد (مواد ۱۹۶ و ۲۳۱ قانون مدنی) انعقاد قرارداد امتیاز دانش فنی اشخاص با یک شرکت حق استفاده را به سهامداران و یا شرکتهای فرعی نمی‌دهد. چنانچه امتیازگیرنده مایل باشد امتیاز استفاده از دانش فنی و علامت تجاری را برای دسته‌ای از شرکت‌های اقماری و وابسته خود فراهم کند لازم است در قرارداد به نحوی این شرط قید شود. این شرط می‌تواند صریح باشد و یا ضمنی. همچنین در مواردی که شرکت تجزیه، منحل و یا تغییر وضعیت می‌یابد طبق اصل قائم مقامی می‌توان مدیر تصفیه (ماده ۴۱۸ قانون تجارت) یا شرکت با وضعیت جدید را قائم مقام امتیازگیرنده دانست و از حقوق و تعهدات قراردادی راجع به دانش فنی برخوردار نمود مگر آنکه تحقق چنین وقایعی (تجزیه و انحلال) بر مبنای حکم قانون با قرارداد ملازمه با انفساخ قرارداد امتیاز دانش فنی داشته باشد. لکن در خصوص تغییر مالکیت سهام شرکت امتیازگیرنده

وضعیت متفاوت است در این خصوص امتیازدهنده نگران تصاحب سهام شرکت امتیازگیرنده توسط شرکت رقیب خود و دسترسی وی به دانش فنی است. هرچند به سبب اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء (ماده ۵۸۳ قانون تجارت)^۱ و اصل نسبی بودن قراردادهای، تغییر مالکیت سهام ملازمه با اختیار سهامداران جدید به استفاده از دانش فنی ندارد با این حال در این موارد نیز امتیازدهنده سعی می‌کند در قرارداد شرط فسخ قرارداد را قید کند (Philips, 2003, p537). این اثر یا از طریق پیش بینی خیار تخلف شرط (مواد ۲۳۴ تا ۲۴۵ قانون مدنی) و یا شرط فاسخ که به طور قهری موجب انفساخ عقد می‌گردد حاصل می‌شود و بدیهی است به محض انحلال عقد امتیاز گیرنده حق استفاده از دانش فنی را نخواهد داشت.

۵- تعهد گیرنده به عدم تحقیق و توسعه دانش فنی

ممکن است در قرارداد امتیاز دانش فنی قید شود که امتیازگیرنده حق تحقیق و توسعه دانش فنی موضوع قرارداد را ندارد. منع تحقیق و توسعه می‌تواند با دو نوع فعالیت مرتبط باشد.

۱- تحقیق، تغییر و ترقی دادن دانش فنی موضوع امتیاز.

۲- تحقیق و توسعه دانش فنی رقیب و مشابه. نکته لازم به ذکر آن است که هر دو نوع از این محدودیت‌ها در اکثر کشورها دنیا منع شده‌اند. از معدود استثنائات ایالات متحده آمریکا است و مواردی که تعهد ناظر بر منع تحقیق جهت تغییر دانش فنی باشد و هدف این تعهد حفظ اعتبار و شهرت یک محصول یا حفاظت از امتیاز دهنده در قبال مسئولیت باشد قانونی شناخته شده است.

در ضمن در مواردی که این تعهد مربوط به ممنوعیت زمینه فنی استفاده باشد نیز ممکن است موجه تلقی گردد (August, 1997, p.485). در مقررات اتحادیه اروپا چنانچه امتیازگیرنده با تحقیق و توسعه مستقل به تولید، استفاده یا توزیع کالای مشابه مبادرت کند امتیاز دهنده می‌تواند جنبه انحصاری امتیاز را پس بگیرد و یا از ارائه ترقیات به امتیازگیرنده خودداری کند. در ژاپن محدودیت بر تحقیق مستقل توسط امتیازگیرنده خلاف اعمال تجاری منصفانه تلقی شده و منع گردیده است (Standst trom, 2003, p.482). در حقوق ایران در فرض سکوت قرارداد به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دسترسی امتیاز گیرنده به دانش فنی محدود به موارد مشخص شده در قرارداد است از قبیل تولید لذا تحقیق و توسعه توسط گیرنده بدون اجازه دارنده خارج از حدود قرارداد بوده و گیرنده بدون اذن یا اجازه دارنده حقی در این خصوص ندارد. در مواردی نیز که در قرارداد امتیاز گیرنده از تحقیق و توسعه دانش فنی منع می‌شود با توجه به

۱. ماده ۵۸۳ قانون تجارت: کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

اینکه احکام فصل نهم قانون نحوه اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ راجع به تسهیل رقابت و منع انحصار حکم صریحی مبنی بر ممنوعیت این شرط پیش بینی نکرده است و چنین شرطی در مواد ۴۴ و ۴۵ قانون از موارد ایجاد اخلال در رقابت تلقی نشده است اعتقاد به منع قانونی آن فاقد مستند قانونی است با این حال با توجه به جزء ۲ بند ط ماده ۴۵ قانون که سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط از طریق "تحمیل شرایط قراردادی غیر منصفانه" را موجب اخلال در رقابت و ممنوع دانسته است چنانچه از نظر مرجع قانونی رسیدگی کننده (شورای رقابت) شرط عدم تحقیق و توسعه در دانش فنی از مصادیق تحمیل شروط قراردادی غیر منصفانه و سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط باشد ممکن است چنین شرطی را غیر قانونی و منع کرد.

۶ - تعهد به توقف استفاده و بهره‌برداری از دانش فنی پس از انقضاء قرارداد (Post - Expiry Restraint on Use)

در طول مدت قرارداد، گیرنده و کارکنان متخصص وی با استفاده از دانش فنی موضوع قرارداد نسبت به فنون و اطلاعات فنی آن آشنا شده و به مرور صاحب مهارت‌های قابل توجهی در این خصوص می‌گردند که چه بسا می‌تواند پس از پایان قرارداد براساس مهارت‌های آموخته شده نسبت به تولید محصول مورد نظر اقدام نماید. در چنین فرضی آیا امتیازگیرنده می‌تواند پس از پایان قرارداد بر مبنای آموخته‌های مکتسبه نسبت به تولید اقدام کند و آیا امتیازدهنده حق دارد «استفاده گیرنده از دانش فنی» را منع نماید و یا پس از پایان قرارداد پرداخت حق الامتیاز را مطالبه کند (United Nation, 1979, p.17-18). در نظام حقوقی بیشتر کشورهای دنیا به عنوان یک قاعده کلی دانش فنی واگذار شده برای تمام مدت توسط امتیازگیرنده قابل استفاده است مگر آنکه شرط خلاف آن شده باشد (Byrne, 2001, p. 258). در پرونده‌ای خواهان در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۵۹ امتیاز دانش فنی و اطلاعات محرمانه تولید و فروش دستگاه خنک کننده را همراه با علامت تجاری در قبال پرداخت مبلغ حق الامتیاز واگذار می‌کند در ماده ۳۰ قرارداد چنین مقرر شده بود؛

«شرکت شیکاگو (امتیازدهنده) بر مبنای اعتماد به امتیازگیرنده و پرسنل وی این قرارداد را امضاء می‌کند و امتیازگیرنده موافقت می‌کند که در طول مدت قرارداد اطلاعات و دانش فنی تولید خنک کننده را محرمانه نگهداری کند و شرکت شیکاگو ملزم می‌شود اطلاعات محرمانه و دانش فنی مزبور را به شخص دیگری غیر از این امتیازگیرنده در قلمرو قرارداد واگذار نکند».

با پایان مدت ۲۰ ساله قرارداد، امتیازگیرنده با استناد به پایان قرارداد از ادامه پرداخت حق مالکانه خودداری نمود و امتیازدهنده با طرح دعوی ضمن مطالبه حق مالکانه صدور دستور

موقت منع امتیازگیرنده از استفاده از دانش فنی را درخواست کرد. دادگاه رسیدگی کننده حکم داد که امتیازدهنده نمی‌توانسته امتیازگیرنده را بعد از پایان قرارداد از استفاده از دانش فنی که در طی دوره قراردادی به دست آورده منع کند. همچنین حکم داد که ماده ۱۱ قرارداد که مقرر کرده بود در صورت لغو قرارداد به هر دلیل امتیازگیرنده ملزم به توقف استفاده از دانش فنی تولید است، به دلیل محدودیت ناموجه تجارت خلاف قواعد کامن لا و غیرقابل استناد است. در این نظام حقوقی اگر چه تعهد صریح امتیازگیرنده به عدم استفاده از دانش فنی پس از پایان قرارداد بی‌اثر و غیرقانونی به نظر می‌رسد با این حال تعهد گیرنده به پرداخت حق مالکانه در قبال استفاده از دانش فنی پس از پایان قرارداد غیرقانونی نیست (Branan, 2001, p.258). تعهد عدم استفاده در رویه قضائی و مقررات کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز مورد بررسی و حکم قرار گرفته است.

در مقررات شماره ۷۷۲/۲۰۰۴ اتحادیه اروپائی تعهد امتیازگیرنده به عدم استفاده از دانش فنی و اطلاعات محرمانه که امتیازگیرنده در طول قرارداد حاصل کرده پس از پایان قرارداد خلاف آزادی رقابت و ماده (۱) ۸۱ نمی‌باشد. سازمان ملل متحد در جزوه راهنمای خود درج شرط توقف استفاده را بیشتر در یک قرارداد پیمانکاری فرعی مناسب دانسته که موضوع آن صرفاً اجازه برخی شرکت‌های جهت استفاده از دانش فنی در تولید محصول و تحویل و پیش فروش آن به امتیازدهنده است یعنی در قراردادهائی که کمتر ماهیت امتیاز داشته و بیشتر به قرارداد خدمات مهندسی و ارائه سرویس مهندسی شبیه است. در این موارد نیز بایستی در قرارداد به هدف محدود قرارداد تصریح شود (United Nation, 1979, p.17).

در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل آزادی قراردادی و عدم وجود حکم قانونی مبنی بر منع، شرط عدم استفاده از دانش فنی با انقضای قرارداد معتبر است با این حال این تعهد تا جایی مجری است که دانش فنی افشاء نشده باشد. در فرض سکوت طرفین در قرارداد راجع به موضوع، حمایت قانونی از دانش فنی مبنی بر منع استفاده دیگران مجری است ولی در موردی که امتیاز گیرنده براساس اقدامات و ابتکارات مشروع بر دانش فنی، به یافته مستقل و جدیدی دست یابد با توجه به اینکه این یافته براساس اقدام مشروع امتیاز گیرنده بدست آمده و این نتایج حقوقی را برای وی ایجاد می‌کند (روح ماده ۵۰۴ قانون مدنی) لذا منع وی از استفاده از این یافته‌ها پس از پایان قرارداد ممکن نیست.

نتیجه

هر چند دانش فنی به عنوان حقوق مالکیت فکری در قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری مصوب ۱۳۸۶ مورد ذکر مقنن قرار نگرفته است ولی این امر

مانع از حمایت از آن براساس قواعد حقوق اموال در قانون مدنی و احکام قانونی حمایت از آن در مواد ۶۴ و ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی و جزء (۱) بند (ک) ماده ۴۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ در فصل تسهیل رقابت نمی‌باشد. با این حال این احکام قانونی در مواردیکه دانش فنی براساس رضایت دارنده و در چارچوب قرارداد در اختیار طرف دیگر قرار می‌گیرد نمی‌تواند مبنای جامعی برای حفظ حقوق دارنده باشد و مبانی قراردادی و لوازم قانونی و ارادی قرارداد نقش قابل توجهی در حمایت از دانش فنی ایفاء می‌کنند و دارنده باید حداکثر پیش بینی های لازم جهت حفظ محرمانه بودن دانش فنی که از عناصر حمایت قانونی از آن است را بعمل آورد. برخی از تعهدات طرف قرارداد درخصوص حمایت از دانش فنی از لوازم قانونی حمایت و نیز قرارداد مربوطه است مثل تعهد طرف قرارداد به محدودیت جغرافیائی فنی و تجاری استفاده از دانش فنی و تعهد به عدم واگذاری آن به سایر افراد و محرمانه نگهداشتن دانش فنی. با این حال نقش پیش بینی‌های طرفین در قرارداد جهت حمایت از دانش فنی نیز از حیث اجرایی نمودن الزامات قانونی مربوط و نیز ایجاد تعهدات ویژه قراردادی جهت حمایت از دانش فنی موجد مبانی اصیل است.

از سوی دیگر، برغم امکان استخراج احکام قانونی راجع به حمایت از دانش فنی، به سبب عدم صراحت کافی احکام و فقدان وجود یک نظام مشخص و تعریف شده حمایت از دانش فنی، وضع احکام جدید لازم است. این احکام قانونی باید ناظر بر شرایط، نحوه و ضمانت اجرای مدنی و کیفری حمایت جهت پشتیبانی از حقوق مشروع دارنده و تلقی از آن به عنوان یکی از مصادیق حقوق مالکیت فکری باشد. با این حال با توجه به اینکه موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی دانش فنی را بعنوان اطلاعات افشاء نشده مورد حمایت قرار داده است در حقوق ایران نیز مناسب است جهت تطابق با این موافقتنامه دانش فنی بعنوان مصداق اطلاعات افشاء نشده مشمول قواعد حمایتی قرار گیرد. با توجه به وجود حکم جزء ۱ بند (ک) ماده ۴۵ قانون نحوه اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ که متضمن حکم حمایت از دانش فنی است، قاعده گذاری و ایجاد نظام مشخص و تعریف شده مطلوب توسط رویه قضایی اهمیت ویژه‌ای دارد و در صورت تحقق این نقش، دخالت بیشتر قانونگذار ضرورتی نخواهد داشت. از سوی دیگر هر چند حمایت‌های حقوقی از دانش فنی در چارچوب مبانی قراردادی با توجه به اصل آزادی قراردادها براساس اراده دارنده دانش فنی قابل دستیابی است لکن با توجه به فقدان نظام قانونی منسجم راجع به دانش فنی و فقدان رویه قضایی قوی تکیه بر مبانی قراردادی در بسیاری موارد به واسطه عدم انسجام قانونی قابل اطمینان نیست.

منابع و مآخذ

الف- فارسی

۱. امامی، حسن، (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هجدهم، کتابفروشی اسلامیه.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۰)، حقوق اموال، چاپ پنجم، کتابخانه گنج دانش.
۳. حبیبیا، سعید، (زمستان ۸۳)، نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقتنامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوقی مالکیت فکری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶.
۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی اموال و مالکیت، چاپ چهاردهم، شرکت سهامی انتشار.
۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار.

ب- خارجی

۱- کتب

- 1-August, Roy, (1997), **International Business Law**, Prentice Hall.
- 2-Byrne, Noel, (2005), **Licensing Technology**, Jordan Publishing Limited, Bristol.
- 3-Cohen, Jehoram, (1972), **The Protection of Know how in 13 country**, Kluwer, Deventer.
- 4-Cornish, W.R, (1998), **Intellectual Property, Patent, Copyright, Trade mark and Allied Rights**, Sweet and Maxwell, London.
- 5-Correa, Carlos, (2007), **Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights**, Oxford Press University, Newyork
- 6-Field, Thomas,(2008), **Intellectual Property: The Practical and Legal Foundation Mentals**, Franklin Pierce Law Center.
- 7-Gervais ,(2003), **The Trips Agreement, Drafting History and Analyst**, Sweet and Maxwell, London.
- 8-Iain Purvis and Jennifer pierce, (2001), **Working with Technology Law and Practice**, Sweet and Maxwell, London.
- 9-L.W. MELVILLE, LLB (LOND) HONS, (1975), **Precedents on Intellectual Property and International Licensing, Second Edition**, Sweet and Maxwell, London.
- 10-Neff and Smallson, (1994), **Nafta Protecting and Enforcing Intellectual Property Rights in America**, Colorado.
- 11-Standstrom and Goldswieg, (2003), **Negotiating and Structuring International Commercial Transactions**, American Bar Association.
- 12-Stim, Richard, (2002), **License your Invention**, Nolo, 3rd edition.
- 13-United Nations, (1979), **Guide Lines for Evaluational of Transfer of Technology**, Newyork.

۲- مقالات

- 1-Beckerman, Andrew, (2002), **The Choice Between Patent Protection and Trade Secret Protection: Legal and Business Decision**, Suffork University Law School Journal, Published in 4 J DTos 371.
- 2-Brennan, Loring,(2001), **Financing Intellectual Property Under Federal Law: A National Operative**, Hastings com/ent, law Journal Vol 23.
- 3-Correa,(1981),**Legal Nature and Contractual Conditions in Know how Transaction**,The Georgia Journal Of International and Comprative Law,vol11-No 3.
- 4-Kurt. M Saunders, (2004), **Can you Keep a Trade Secret?** The Pensilvania Uniform Trade Secret California State University.
- 5-Olin, John and Lemley Mark ,**The surprising Virtues of Treating Trade Secret as Ip Rights**, (2008), Program in Law Economics, Stanford Law School , working paper no 358 jun.
- 6-Risch , Michael, (2007), **Why Do We Have Trade Secrets**, Marquette Intellectual Property Law Review ,vol, 11/1.